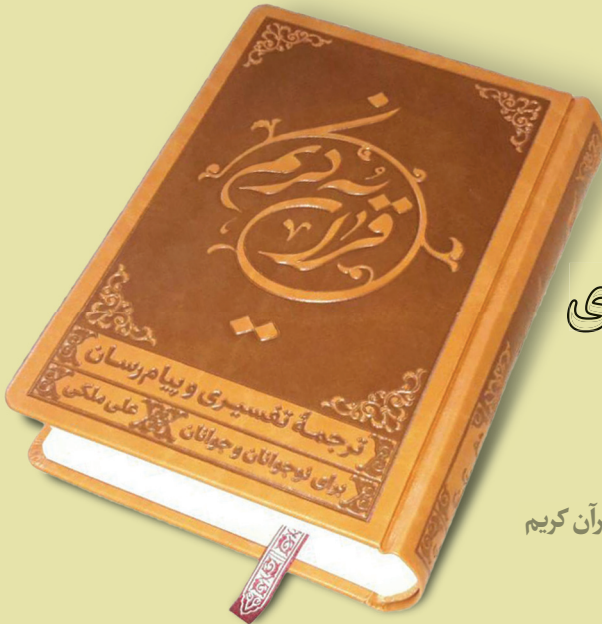


تلاشی ارزشمند برای ارائه ترجمه‌ای ساده و همه فهم

■ محمّدامین احمدی فقیه

نقدی کوتاه بر ترجمه روان و خواندنی قرآن کریم
اثر جدید آقای علی ملکی



درست نیست و به گونه‌ای کسر شأن برای آنهاست. در ادامه به طور خلاصه به ده نکته اشاره می‌شود.

۱. مهم‌ترین نقد در این ترجمه، آوردن واژه «بزرگوار» در «بسم الله الرحمن الرحيم» است. پسوند «وار» شبیه بودن را نشان می‌دهد و از معانی چندم آن در ترجمه برای مهم‌ترین جمله قرآنی بهره گرفته شده است. به کاربردن این واژه برای آدمی بسیار بجاست؛ ولی برای خداوند یکتا و بی‌انبار، مناسب نیست.
۲. حذف و معنا نکردن بسیاری از «واو»های اول آیه‌های قرآن مجید، در بسیاری از موارد، ارتباط آیات و مفهوم را تغییر داده است.
۳. استفاده از بعضی واژه‌های کوچک و بازاری، در شأن و فخامت کلام الهی نیست.
۴. نداشتن یکنواختی در کلمات و عبارات‌های مشابه در سراسر قرآن حکیم، گرچه در پس‌گفتار ترجمه توجیه‌هایی شده و دلیل‌هایی آورده شده، اما نمی‌تواند قابل قبول باشد.

قبل از اشاره کوتاه به بعضی موارد باید از مترجم و ویراستاران آن کمال تقدیر و تشکر کرد. یکی از بارزترین خصوصیات این ترجمه، کار جمعی و استفاده از نخبگان و متخصصان و نظرهای مختلف و همکاری افراد بسیار در رشته‌های مختلف در این کار است. ویژگی دوم، ساده و روان بودن و رعایت دستورهای نگارشی و ویرایشی است. وجه تمایز دیگر، طرح زیبا در صفحه‌آرایی آن است که امیدوارم این برجستگی‌ها سرلوحه مترجمان بعدی قرار گیرد.

ابتدا درباره عنوان «ترجمه تفسیری و پیام رسان برای نوجوانان و جوانان» باید گفت که قرآن حکیم جامع و برای همه است و بدین گونه جداسازی نمودن شایسته نیست؛ چرا ما فکر می‌کنیم نوجوانان و جوانان متوجه نمی‌شوند و باید سادگی را برای آنان فراهم کرد؟ ترجمه باید مثل متن قرآن عظیم، ساده و همه‌فهم باشد و البته برای هر فرد با درجه‌های مختلف می‌تواند سطح برداشت متفاوت داشته باشد. به نظر من جداکردن عنوان متن اصلی قرآن مبین صورت برای نوجوانان و جوانان

برای مثال عبارت قرآنی «ا فلا تعقلون (یعقلون)» چهارده مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است که به زیبایی و یکنواختی در تمامی موارد ترجمه شده است (پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!)، البته فارغ از نقد به خود عبارت ترجمه که جای تأمل دارد.

برای عبارت «لعلکم تشکرون» نیز که چهارده مرتبه تکرار شده است، معانی و برداشت های مختلفی برای آن آورده اند که عبارت انداز: تا شکر کنید؛ شکرش را به جا آورید؛ تا شکر نعمتش را به جا آورده باشید؛ تا شاید شکر کنید و...؛ و برای آن شکر کنید؛ برای این که شاید شکر کنید؛ شاید شکر کنید؛ تا شاید شکر کنید.

همچنین برای عبارت «لعلکم تهتدون» که شش مرتبه در قرآن ذکر شده - که البته جای تأمل و دقت وجود دارد - عباراتی این چنین آمده است: تا هدایت شوید؛ تا با خیالی راحت نماز بخوانید؛ تا سر به راه شوید؛ تا به خوش بختی دنیا و آخرت برسید؛ تا در سفر راحت تر به مقصد برسید؛ تا راحت به مقصد برسید.

۵. در بسیاری موارد، فرقی مابین واژه‌های مشابه را مشخص نکرده و حتی به جای هم نیز به کار برده اند. مانند واژه‌های «رسول» و «نبی»، «منکم» و «عنکم»، «مفتون» و «مجنون»، «وَدَّ» و «حَبَّ» و... که مشابه ترجمه کرده و فرقی بین آنها قرار نداده اند. تفاوت مناسب قرار ندادن واژه‌های مختلف قرآنی که در ارتباط با معنی ترس است، از زیبایی معانی واژه‌های قرآنی کاسته است. تفاوت قائل نشدن در واژه‌هایی که در ارتباط با معانی گناه است و در بعضی موارد که به گناه ارتباطی ندارد، به صورت یکسان ترجمه شده است.

۶. معانی مختلف برای یک واژه آورده شده است. برای مثال واژه «غیب» را در آیات مختلف با معانی متفاوت آورده اند که عبارت انداز: پنهان؛ اسرار؛ غیب؛ اسرار غیبی؛ ندیده؛ نادیده؛ عذاب نادیده؛ غیب؛ کف دست را بو کردن؛

غیبی؛ تاریکی؛ وحی.

۷. به کاربردن واژه‌های نامناسب. برای نمونه به کار بردن واژه‌های «چرت» و «دستگیره»، «کف دست بو کردن»، «بچه اش را باردار شد»، «پرو منتظر مرگت باش»، و... فخامت کلام الهی را پایین می‌آورد. بعضی واژه‌های نامناسب برای خداوند متعال و فرشتگان نیز به کار رفته است.

۸. به کار بردن واژه‌های «باید» و «نباید» و بسیاری از واژه‌ها در ترجمه آیات، بسیار سطحی و نامناسب است و تعبیر و تفسیر درستی برای آیات قرآنی نیست و فرهنگ نامناسبی را به متن جامعه القا می‌کند و در بعضی موارد، وهن است.

۹. تعبیرهای نامناسبی در بعضی آیات مشاهده می‌شود. برای نمونه، ترجمه «من کل امر» تعبیر به «انجام دادن هر خیر و شر» شده است که جای تأمل دارد. قطعاً فرشتگان برای انجام دادن هر خیر و شری نازل نشده اند.

۱۰. در بعضی موارد، کارکرد و معنی واژه‌ها را به شدت تغییر داده اند. مثلاً «سحر» معادل «فجر» نیست. «دستور» معادل «اذن» و... نیست. سبک ترجمه جناب ملکی برای ترجمه چند آیه باهم که البته در ترجمه‌های قدیم نیز وجود دارد خود جای تأمل دارد.

ضمن تشکر از تلاش‌های صادقانه جناب آقای علی ملکی و همکاران عزیزشان، بی‌تردید کار ایشان مورد توجه قرار گرفته که مذاقه شده و به نقد گذاشته شده است. سجع و آهنگ و واژه‌آرایی در ترجمه بسیاری از سوره‌ها قابل تقدیر است. البته همان گونه که خود گفته‌اند: ترجمه تفسیری و به زبان ساده و عامیانه و برای نوجوانان و جوانان است. به هر حال، به نظر می‌رسد تصحیح و جایگزینی بعضی از واژه‌هایی که فخامت کلام الهی را پایین می‌آورد، کار ارزشمند ایشان را ارتقا خواهد داد.